

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

A Comparative Study of the Effect of Artificial Sleep and Narcotic Drugs on the Classification of Homicide (Intentional, Semi-Intentional, and Pure Error)

Hamidreza Mahmoudi*¹

1. MA, Department of Criminal Law and Criminology, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

* Corresponding Author's Email: mahmoudihamidrza@gmail.com

ABSTRACT

The present study comparatively examines the impact of artificial sleep (hypnosis) and the use of narcotic drugs on the legal classification of homicide (intentional, semi-intentional, and pure error) within the Iranian criminal justice system. The significance of this research lies in the fact that both conditions—by disrupting an individual's consciousness and will—can alter the legal characterization of a homicide offense. Given the sensitivity of homicide in Iran's legal and jurisprudential framework and its close association with criminal justice, it is essential to analyze the psychological, neurological, and legal dimensions of these phenomena. This study employs a descriptive-analytical and comparative approach. Data were collected through a comprehensive review of jurisprudential sources, Iranian criminal law (particularly Articles 153 and 290 of the Islamic Penal Code), and findings from neuroscience and psychology. The results indicate that both hypnosis and narcotic substances lead to a reduction in the level of consciousness and a partial or complete dissolution of free will. In hypnosis, due to the involuntary nature of suggestion and the absence of independent intent, Article 153 of the Islamic Penal Code can be invoked to grant full exemption from criminal responsibility. However, in the case of narcotic substances, because their consumption is typically voluntary, criminal liability generally remains intact. Nevertheless, in certain circumstances—such as severe intoxication or drug-induced hallucination—the classification of homicide may shift to semi-intentional or pure error. The fundamental distinction is that artificial sleep possesses a scientific-therapeutic dimension, whereas drug use is intertwined with broad social consequences, including addiction and criminal behavior. The findings suggest that Iranian criminal law adopts a more flexible stance toward hypnosis while maintaining a strict policy toward narcotic substances. This contrast reflects the legislator's effort to balance the preservation of public order with the pursuit of criminal justice. Conducting such studies can contribute to enriching the literature of criminal law and enhancing judicial practice.

Keywords: *Artificial Sleep; Hypnosis; Narcotic Drugs; Intentional Homicide; Criminal Responsibility*

How to cite: Mahmoudi, H. (2024). A Comparative Study of the Effect of Artificial Sleep and Narcotic Drugs on the Classification of Homicide (Intentional, Semi-Intentional, and Pure Error). *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 354-371.



تاریخ ارسال: ۲۵ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۵ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۳ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۶ شهریور ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

مقایسه تطبیقی اثر خواب مصنوعی و مواد مخدر در تغییر نوع قتل (عمد، شبه عمد، خطای محض)

حمیدرضا محمودی^{۱*}

۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: mahmoudihamidrza@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی تأثیر خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) و مصرف مواد مخدر بر تغییر نوع قتل (عمد، شبه‌عمد و خطای محض) در نظام حقوق کیفری ایران می‌پردازد. اهمیت این مطالعه در آن است که هر دو وضعیت، با ایجاد اختلال در آگاهی و اراده فرد، می‌توانند طبقه‌بندی حقوقی قتل را دستخوش تغییر سازند. با توجه به حساسیت موضوع قتل در نظام حقوقی و فقهی ایران و ارتباط آن با عدالت کیفری، ضرورت دارد که ابعاد روان‌شناختی، نورولوژیک و حقوقی این پدیده‌ها مورد تحلیل قرار گیرد. این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه منابع فقهی، قوانین کیفری ایران (به‌ویژه مواد ۱۵۳ و ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی)، و یافته‌های علوم اعصاب و روان‌شناسی گردآوری گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که خواب مصنوعی و مواد مخدر هر دو موجب کاهش سطح آگاهی و زوال نسبی یا کامل اراده می‌شوند. در هیپنوتیزم، به دلیل القای غیرارادی و فقدان قصد مستقل، امکان استناد به ماده ۱۵۳ ق.م.ا برای معافیت کامل از مسئولیت وجود دارد. اما در خصوص مواد مخدر، به دلیل اختیاری بودن مصرف، مسئولیت کیفری غالباً به قوت خود باقی می‌ماند؛ با این حال، در مواردی چون توهم یا مسمومیت شدید، امکان تغییر نوع قتل به شبه‌عمد یا خطای محض فراهم است. تفاوت اساسی آن است که خواب مصنوعی بیشتر جنبه علمی-درمانی دارد، در حالی که مصرف مواد مخدر با پیامدهای اجتماعی، اعتیاد و بزهکاری گسترده گره خورده است. یافته‌ها بیانگر آن است که حقوق کیفری ایران در برابر خواب مصنوعی رویکردی انعطاف‌پذیر و در برابر مواد مخدر سیاستی سخت‌گیرانه اتخاذ کرده است. این تفاوت نشان‌دهنده تلاش قانون‌گذار برای ایجاد تعادل میان حمایت از نظم عمومی و رعایت عدالت کیفری است. انجام چنین مطالعاتی می‌تواند به غنی‌سازی ادبیات حقوق کیفری و ارتقای رویه‌های قضایی کمک نماید.

کلیدواژگان: خواب مصنوعی؛ هیپنوتیزم؛ مواد مخدر؛ قتل عمد؛ مسئولیت کیفری

نحوه استناددهی: محمودی، حمیدرضا. (۱۴۰۳). مقایسه تطبیقی اثر خواب مصنوعی و مواد مخدر در تغییر نوع قتل (عمد، شبه‌عمد، خطای محض). *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)،

۳۷۱-۳۵۴.



پدیده‌ی جرم و جنایت همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در علوم جنایی، روان‌شناسی، و حقوق کیفری بوده است. در میان عوامل متعددی که می‌توانند در ارتکاب جرایم، به‌ویژه قتل، نقش ایفا کنند، دو وضعیت خاص یعنی خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) و مصرف مواد مخدر جایگاه ویژه‌ای دارند. هر دو این وضعیت‌ها به شکلی مستقیم یا غیرمستقیم بر آگاهی، اراده و توانایی تصمیم‌گیری فرد اثر می‌گذارند و می‌توانند موجب تغییر در ماهیت و نوع جرم ارتكابی شوند. از این منظر، بررسی تطبیقی اثر خواب مصنوعی و مواد مخدر بر تغییر نوع قتل (اعم از عمد، شبه‌عمد و خطای محض) نه تنها از جنبه‌ی علمی و روان‌شناختی اهمیت دارد، بلکه از نظر حقوقی و کیفری نیز واجد ضرورت ویژه‌ای است. استدر حقوق کیفری ایران، عنصر قصد و آگاهی نقش تعیین‌کننده‌ای در طبقه‌بندی قتل دارد. بر اساس مواد ۲۹۰ تا ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی، قتل عمد نیازمند وجود قصد و اراده آگاهانه است؛ حال آنکه در قتل شبه‌عمد یا خطای محض، عنصر قصد یا به طور کامل منتفی است یا به دلیل خطا و بی‌احتیاطی مخدوش می‌گردد. اما پرسش اساسی این است که در شرایطی که فرد تحت تأثیر هیپنوتیزم یا مواد مخدر مرتکب قتل شود، چه میزان می‌توان قصد و آگاهی او را معتبر دانست؟ این مسئله زمانی اهمیت دوچندان می‌یابد که بدانیم در فقه اسلامی و حقوق ایران، مسئولیت کیفری ارتباط تنگاتنگی با توانایی فرد در کنترل رفتار و حفظ اراده دارد. از سوی دیگر، ابعاد اجتماعی و سیاست جنایی نیز ضرورت بررسی این موضوع را برجسته می‌سازد. خواب مصنوعی عمدتاً در محیط‌های پژوهشی یا درمانی رخ می‌دهد و غالباً فاقد بار اجتماعی گسترده است. در مقابل، مصرف مواد مخدر نه تنها فرد را از منظر روانی و شناختی دچار اختلال می‌کند، بلکه به دلیل ماهیت اعتیادآور و پیامدهای اجتماعی‌اش، به یک معضل بزرگ در نظام کیفری و سیاست جنایی کشور بدل شده است. این تفاوت ماهوی

در منشأ و آثار اجتماعی، ایجاب می‌کند که تأثیر هر یک از این دو وضعیت بر مسئولیت کیفری در قتل به‌طور علمی و تطبیقی مورد واکاوی قرار گیرد.

این پژوهش بر پایه‌ی پرسش‌های بنیادینی استوار است که پاسخ به آن‌ها می‌تواند روشن‌کننده‌ی زوایای مبهم در رویه‌ی قضایی و دکترین حقوقی باشد: ۱- آیا می‌توان فرد هیپنوتیزم‌شده را در صورت ارتکاب قتل، مسئول عمدی دانست یا باید قتل او در زمره‌ی شبه‌عمد یا خطای محض طبقه‌بندی شود؟

۲- مصرف مواد مخدر، به‌ویژه در وضعیت مسمومیت یا اعتیاد، چه نقشی در تغییر نوع قتل دارد و قانون‌گذار ایران چه موضعی در قبال آن اتخاذ کرده است؟ ۳- از منظر تطبیقی، شباهت‌ها و تفاوت‌های اثر خواب مصنوعی و مواد مخدر بر مسئولیت کیفری در قتل کدام‌اند؟

از دیدگاه روان‌شناسی و علوم اعصاب، خواب مصنوعی و مواد مخدر هر دو با کاهش سطح آگاهی، تغییر در فعالیت‌های مغزی و اختلال در فرآیندهای تصمیم‌گیری همراه‌اند. پژوهش‌های EEG و fMRI نشان داده‌اند که هیپنوتیزم با کاهش فعالیت شبکه پیش‌فرض مغز و افزایش تلقین‌پذیری همراه است (Van der Velden et al., 2022) در حالی که مصرف مواد مخدر می‌تواند موجب تحریک یا سرکوب نواحی مرتبط با قضاوت و کنترل رفتار گردد. این یافته‌ها بیانگر آن است که هر دو پدیده می‌توانند به‌طور مستقیم بر اراده آزاد فرد تأثیرگذار باشند و در نتیجه، مبانی مسئولیت کیفری را دچار تردید کنند. از سوی دیگر، در دکترین حقوق کیفری، مسئله‌ی زوال یا اختلال اراده یکی از عوامل مؤثر در کاهش یا رفع مسئولیت کیفری تلقی می‌شود (Topp et al., 2002). ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی به‌صراحت بیان می‌کند که اگر فرد در حالت بیهوشی یا زوال اراده مرتکب جرم شود، مسئولیت از او رفع خواهد شد. این ماده زمینه‌ای برای طرح این پرسش فراهم می‌آورد که آیا هیپنوتیزم، به‌عنوان یک وضعیت

زیرا در این وضعیت مرز میان اراده مستقل و تبعیت از دستورها کمرنگ می‌شود. تاریخچه هیپنوتیزم به سده‌های گذشته بازمی‌گردد. ریشه‌های آن را می‌توان در آیین‌های مذهبی، مراسم شمنی و روش‌های سنتی القای حالت‌های تغییر یافته آگاهی جستجو کرد. اما شکل علمی و مدرن هیپنوتیزم در قرن هجدهم با کارهای **فرانتس آتون مسمر**^۱ آغاز شد. او با نظریه "مغناطیس حیوانی" ادعا می‌کرد که جریان‌های نامرئی در بدن انسان جریان دارد و می‌توان از آن‌ها برای درمان استفاده کرد (Scott & Howell, 2021). هرچند نظریه مسمر بعدها فاقد اعتبار علمی تشخیص داده شد، اما تلاش‌های او آغازگر مطالعه علمی در این حوزه بود.

در قرن نوزدهم، پزشکانی چون **جیمز برید** اصطلاح "هیپنوتیزم" را وارد ادبیات علمی کردند. برید معتقد بود که هیپنوتیزم حالتی روان‌شناختی و متفاوت از خواب است و می‌توان از آن برای درمان بیماری‌های روان‌تنی بهره گرفت. در قرن بیستم، پژوهشگران و روان‌پزشکان متعددی همچون **میلر و هیلگارد** مطالعات گسترده‌ای در زمینه اثرات هیپنوتیزم بر آگاهی و رفتار انسان انجام دادند (Hilgard, 1992). امروزه هیپنوتیزم به عنوان یک ابزار علمی در حوزه‌های پزشکی، روان‌شناسی بالینی، جرم‌شناسی و علوم اعصاب مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سازمان‌های علمی معتبر مانند انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) هیپنوتیزم را به عنوان یک روش معتبر درمانی در شرایط خاص به رسمیت شناخته‌اند.

اثرات هیپنوتیزم بر مغز و سطح هوشیاری

الف - امواج مغزی و تغییرات نوروفیزیولوژیک: مطالعات الکتروانسفالوگرافی (EEG) و تصویربرداری عصبی نشان داده‌اند که هیپنوتیزم با تغییرات قابل توجهی در فعالیت امواج مغزی همراه است. افراد تحت هیپنوتیزم معمولاً افزایش فعالیت در امواج تتا (۴-۷ هرتز) و کاهش فعالیت در امواج بتا (۱۳-۳۰ هرتز) را تجربه

القایی با کاهش اراده، می‌تواند مشمول این ماده باشد؟ در مقابل، ماده ۲۹۰ همان قانون تأکید دارد که در قتل عمد، قصد و علم شرط اصلی است؛ حال اگر فردی در اثر مصرف مواد، فاقد این قصد یا علم باشد، آیا قتل او عمدی محسوب می‌شود یا خیر؟ بنابراین بررسی این موضوع نه تنها از نظر علمی و نظری حائز اهمیت است، بلکه از نظر کاربردی و قضایی نیز ضرورتی انکارناپذیر دارد. در محاکم کیفری، قضات همواره با پرونده‌هایی مواجه‌اند که متهم مدعی ارتکاب قتل در حالت بی‌اختیاری ناشی از هیپنوتیزم یا مصرف مواد بوده است. فقدان پژوهش‌های تطبیقی دقیق در این حوزه می‌تواند منجر به صدور آرای متناقض گردد و اصل عدالت کیفری را با چالش روبه‌رو سازد.

تعریف و ماهیت هیپنوتیزم

خواب مصنوعی یا هیپنوتیزم یکی از پدیده‌های روان‌شناختی و نوروفیزیولوژیک است که در آن فرد وارد حالتی از آگاهی تغییر یافته می‌شود. این حالت با تمرکز شدید، افزایش قابلیت پذیرش پیشنهادها و کاهش پردازش انتقادی همراه است (Oakley & Halligan, 2013). برخلاف تصور عمومی، هیپنوتیزم معادل خواب طبیعی نیست؛ بلکه حالتی میان بیداری و خواب است که در آن مغز همچنان به فعالیت آگاهانه ادامه می‌دهد، اما دامنه آگاهی فرد محدود به محرک‌ها یا دستورالعمل‌های خاص می‌شود. در این وضعیت، فرد می‌تواند دستورات هیپنوتیزور را بپذیرد و آن‌ها را اجرا کند، حتی اگر در شرایط عادی انجام آن‌ها برایش دشوار باشد (Laminejad & Baninaimeh, 2020). هیپنوتیزم در شاخه‌های گوناگون علمی و پزشکی کاربرد دارد؛ از جمله در روان‌درمانی، کنترل درد، ترک اعتیاد و حتی در برخی پژوهش‌های علوم اعصاب برای بررسی مکانیسم‌های مغزی تصمیم‌گیری. با این حال، یکی از مهم‌ترین بحث‌های علمی و حقوقی درباره هیپنوتیزم مربوط به میزان مسئولیت فرد در حالت خواب مصنوعی است،

² James Braid

¹ Franz Mesmer

مطالعات نشان داده‌اند که افراد تحت هیپنوتیزم می‌توانند دستورات خاصی را بدون آگاهی کامل اجرا کنند. این یافته‌ها موجب بحث‌های حقوقی درباره مسئولیت فرد در ارتکاب رفتارهای مجرمانه تحت هیپنوتیزم شده است (Barnier et al., 2008). تحقیقات نشان داده‌اند که افراد با سطح بالای تلقین‌پذیری بیشتر در معرض اثرات هیپنوتیزم قرار دارند و این ویژگی ممکن است با برخی اختلالات اضطرابی یا تجزیه‌ای مرتبط باشد (Hashemi, 2016).

مواد مخدر از منظر علمی

مواد مخدر به طور کلی بر اساس اثرات بیولوژیکی و روان‌شناختی که بر بدن و مغز انسان می‌گذارند، به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: محرک‌ها، توهم‌زها، و تضعیف‌کننده‌ها. این دسته‌بندی نه تنها بر اساس ویژگی‌های فیزیولوژیک آن‌ها بلکه بر اساس تأثیرات رفتاری و روانی که بر افراد دارند، تعیین می‌شود (Chavez, 2020).

الف - محرک‌ها: محرک‌ها مواد شیمیایی‌ای هستند که باعث تحریک سیستم عصبی مرکزی⁵ می‌شوند و معمولاً موجب افزایش فعالیت فیزیکی و ذهنی فرد می‌گردند. این مواد بر سطوح انتقال‌دهنده‌های عصبی مانند دوپامین، نوراپی‌نفرین و سروتونین تأثیر می‌گذارند و به طور موقت احساس انرژی، هوشیاری و سرخوشی را در فرد ایجاد می‌کنند. از جمله محرک‌های معروف می‌توان به کوکائین، متامفتامین، کافئین و نیکوتین اشاره کرد (Volkow et al., 2011). محرک‌ها می‌توانند باعث افزایش ضربان قلب، فشار خون، و سطح فعالیت مغز شوند. مصرف طولانی‌مدت این مواد می‌تواند به اختلالات روانی مانند اضطراب، پارانویا و رفتارهای خشونت‌آمیز منجر شود (Miller et al., 2009).

می‌کنند. این الگو مشابه حالت‌های آرامش عمیق یا مدیتیشن است و نشان‌دهنده تمرکز بالا همراه با کاهش پردازش آگاهانه می‌باشد (Copelan, 2015).

ب - تأثیر بر تصمیم‌گیری و اراده: یکی از جنبه‌های بحث‌برانگیز هیپنوتیزم، تأثیر آن بر اراده و تصمیم‌گیری است. در این حالت، فرد توانایی انتخاب‌های انتقادی و مستقل خود را تا حدی از دست می‌دهد و بیشتر تحت تأثیر تلقین‌های بیرونی قرار می‌گیرد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هیپنوتیزم می‌تواند فعالیت نواحی مغزی مرتبط با تصمیم‌گیری، به ویژه قشر پیش‌پیشانی¹ و قشر سینگولیت قدامی² را تغییر دهد. این تغییرات موجب افزایش تلقین‌پذیری و کاهش پردازش انتقادی می‌شود (Bloch, 1997).

ج - پدیده خودکارگی: خودکارگی به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد بدون قصد و آگاهی کامل، رفتاری را انجام می‌دهد. در هیپنوتیزم، برخی از اعمال فرد می‌توانند ماهیت خودکار داشته باشند؛ یعنی بدون دخالت کامل اراده آگاهانه انجام شوند. این پدیده در روان‌شناسی و حقوق اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا می‌تواند بر مسئولیت کیفری فرد در صورت ارتکاب جرم تأثیر بگذارد (Lynn et al., 2007). طی دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی به بررسی اثرات هیپنوتیزم بر مغز و رفتار پرداخته‌اند. مطالعات EEG و fMRI نشان داده‌اند که هیپنوتیزم با کاهش فعالیت در شبکه پیش‌فرض مغز⁴ همراه است؛ این امر نشان می‌دهد که فرد در حالت هیپنوتیزم کمتر درگیر افکار درونی و بیشتر متمرکز بر محرک‌ها یا دستورات بیرونی است (McGeown et al., 2009). هیپنوتیزم یکی از روش‌های موثر در کاهش درد مزمن شناخته شده است. مطالعات بالینی نشان داده‌اند که بیماران تحت هیپنوتیزم کاهش قابل توجهی در شدت درد گزارش کرده‌اند و این اثر با تغییر در فعالیت نواحی حسی مغز مرتبط است برخی

⁴ default mode network

⁵ CNS

¹ prefrontal cortex

² anterior cingulate cortex

³ Automatism

مغز شود که فرد را در معرض رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز قرار می‌دهد. در مطالعات مختلف، مصرف کوکائین و متامفتامین‌ها با افزایش قابل توجه رفتارهای پرخاشگرانه و تحریک‌پذیری همراه بوده است. این رفتارها معمولاً به دلیل تغییرات در فعالیت‌های مغزی و افزایش بیش از حد تحریک عصبی رخ می‌دهند (Rahmdel, 2018). این مواد می‌توانند با اختلال در نواحی مغزی مانند قشر پیش‌پیشانی که مسئول کنترل رفتارهای اجتماعی و تصمیم‌گیری است، باعث بروز رفتارهای خشونت‌آمیز شوند. توهم‌زها، با تغییر در تجربه‌های حسی و ذهنی، می‌توانند رفتار فرد را به شدت تغییر دهند. این مواد می‌توانند باعث بروز رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و در برخی موارد، رفتارهای خشونت‌آمیز شوند. مصرف‌کنندگان این مواد ممکن است واقعیت را به شکلی تحریف‌شده تجربه کنند و در نتیجه واکنش‌های خود را به صورت افراطی یا پرخاشگرانه نشان دهند. توهماتی که فرد به واسطه مصرف مواد توهم‌زا تجربه می‌کند، می‌توانند موجب ایجاد ترس، اضطراب، و پرخاشگری در مواجهه با تهدیدات خیالی شوند (Müller et al., 2018). این ویژگی‌ها می‌توانند زمینه‌ساز رفتارهای خشونت‌آمیز باشند، به ویژه زمانی که فرد در حالت توهم به محرک‌های بیرونی واکنش‌های شدید نشان دهد. مواد تضعیف‌کننده مانند الکل و بنزودیازپین‌ها تأثیرات آرام‌بخش دارند، اما مصرف بیش از حد آن‌ها می‌تواند به کاهش مهار و کنترل فرد بر رفتارهای خود منجر شود. الکل به طور خاص با کاهش فعالیت در نواحی مغزی مرتبط با قضاوت و رفتارهای اجتماعی همراه است. در شرایطی که فرد تحت تأثیر مواد تضعیف‌کننده قرار دارد (Amini & Shabani, 2019)، ممکن است کنترل بر اعمال خود را از دست بدهد و رفتارهای خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه از خود بروز دهد. مطالعات نشان داده‌اند که مصرف الکل و بنزودیازپین‌ها در شرایط خاص می‌تواند فرد را به سمت رفتارهای پرخاشگرانه سوق دهد، به ویژه در

ب - توهم‌زها : توهم‌زها گروهی از مواد شیمیایی هستند که تأثیراتی بر روی ادراک و آگاهی فرد می‌گذارند. این مواد می‌توانند باعث تغییرات شدیدی در احساسات، افکار، و درک واقعیت شوند. از جمله مواد توهم‌زا می‌توان به LSD، قارچ‌های سایکدلیک و DMT اشاره کرد. این مواد عمدتاً بر سیستم سروتونریک مغز تأثیر می‌گذارند و موجب ایجاد توهمات بصری و شنوایی می‌شوند (Müller et al., 2018). تأثیرات توهم‌زها بر رفتار خشونت‌آمیز در شرایط خاص ممکن است رخ دهد، زیرا مصرف‌کنندگان می‌توانند درک واقعیت را تغییر داده و واکنش‌های پرخاشگرانه به محرک‌های محیطی داشته باشند.

ج - تضعیف‌کننده‌ها : تضعیف‌کننده‌ها بر سیستم عصبی مرکزی تأثیر می‌گذارند و موجب کاهش سطح فعالیت مغز می‌شوند. این مواد می‌توانند آرامش، کاهش اضطراب و خواب‌آلودگی ایجاد کنند. از جمله مواد تضعیف‌کننده می‌توان به الکل، بنزودیازپین‌ها (مثل دیازپام)، و باربیتورات‌ها اشاره کرد. این دسته از مواد به دلیل اثرات آرام‌بخشی که دارند، ممکن است فرد را به سمت رفتارهای کم‌خطر یا غیرقابل کنترل سوق دهند. در برخی موارد، مصرف این مواد می‌تواند موجب کاهش قدرت قضاوت و کنترل فرد بر رفتار خود شود، به ویژه در محیط‌های اجتماعی و تحت فشارهای روانی (Karkheiran, 2013).

اثرات نورولوژیک و روان‌شناختی بر رفتار خشونت‌آمیز

مواد مخدر تأثیرات عمیقی بر مغز و سیستم عصبی دارند که این تأثیرات می‌تواند مستقیماً به تغییرات رفتاری و روان‌شناختی منجر شود. مصرف این مواد می‌تواند موجب تحریک یا سرکوب مناطقی از مغز شود که با کنترل احساسات، تصمیم‌گیری، و رفتارهای اجتماعی مرتبط هستند. محرک‌ها به طور مستقیم بر سطح دوپامین مغز تأثیر می‌گذارند و این باعث افزایش احساس سرخوشی، انرژی و اعتماد به نفس می‌شود. (برت، شورت، ۲۰۱۸) با این حال، مصرف مداوم این مواد می‌تواند منجر به اختلال در سیستم پاداش

موقعی که فرد در معرض استرس یا تحریکات اجتماعی قرار دارد (Akbari, 2019).

نقش اعتیاد و مسمومیت در بروز رفتارهای جنایی

اعتیاد به مواد مخدر یکی از عوامل مهم در بروز رفتارهای جنایی است. این وضعیت به دلیل اثرات فیزیولوژیک و روان‌شناختی که بر فرد می‌گذارد، می‌تواند توانایی فرد در کنترل رفتارهای خود را به شدت کاهش دهد. اعتیاد باعث تغییرات در سیستم پاداش مغز می‌شود که فرد را به مصرف بیشتر مواد مخدر ترغیب می‌کند و در نتیجه، انگیزه‌های ضد اجتماعی و جنایی را افزایش می‌دهد. اعتیاد به مواد مخدر باعث می‌شود که فرد به دنبال تأمین نیاز خود به مواد باشد. این نیاز می‌تواند منجر به ارتکاب جرایم مختلفی همچون دزدی، خشونت، و تجاوز شود. مصرف مواد محرک و توهم‌زا می‌تواند در مواردی منجر به رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و خطرناک شود. در همین راستا، بسیاری از جرایم ناشی از اعتیاد به مواد مخدر به دلیل فقدان کنترل فرد بر رفتارهای خود و کاهش توانایی تصمیم‌گیری به وقوع می‌پیوندد (Rahmdel, 2018). مسمومیت ناشی از مصرف بیش از حد مواد مخدر نیز می‌تواند به تغییرات ناگهانی در رفتار فرد منجر شود. در شرایط مسمومیت، فرد ممکن است دچار اختلالات روانی، از جمله توهم، اضطراب شدید، و پارانویا شود که این وضعیت می‌تواند موجب بروز رفتارهای خشونت‌آمیز و خطرناک گردد. این نوع مسمومیت‌ها به ویژه در مواد مخدر مانند متامفتامین و کوکائین مشاهده می‌شود که می‌توانند اثرات عصبی و روانی شدیدی به همراه داشته باشند.

تحلیل حقوقی خواب مصنوعی در قتل

قتل عمد، شبه عمد و خطای محض در قانون مجازات اسلامی (مواد ۲۹۰ تا ۳۰۳)

در قانون مجازات اسلامی ایران، قتل به سه نوع عمد، شبه عمد و خطای محض تقسیم‌بندی شده است که هر یک ویژگی‌های خاص

خود را دارند و بر اساس شرایط ارتکاب جرم، تفاوت‌هایی در مسئولیت کیفری مرتکب و نوع مجازات‌ها دارند.

الف - قتل عمد (ماده ۲۹۰ ق.م.ا): قتل عمد به قتل‌هایی اطلاق می‌شود که در آن فرد با قصد قبلی و آگاهانه، فرد دیگری را به قتل می‌رساند. در این نوع قتل، عامل جرم به طور کامل از وضعیت روانی و فکری خود آگاه است و اراده‌ای برای انجام عمل قتل دارد. مجازات قتل عمد در قوانین ایران معمولاً قصاص است، به جز در موارد خاصی که شرایط آن متفاوت باشد (Karkheiran, 2013).

ب - قتل شبه عمد (ماده ۲۹۵ ق.م.ا): قتل شبه عمد به قتل‌هایی اطلاق می‌شود که فرد مرتکب جرم، نیت قتل ندارد، اما به دلیل بی‌احتیاطی یا عدم رعایت احتیاط‌های لازم، مرگ فرد دیگری را رقم می‌زند. در این حالت، مجازات‌ها به گونه‌ای است که فرد نمی‌تواند از مسئولیت کیفری خود فرار کند، اما شدت مجازات آن کمتر از قتل عمد است. مجازات قتل شبه عمد معمولاً شامل دیه می‌باشد (Zaraat, 2010).

ج - قتل خطای محض (ماده ۳۰۳ ق.م.ا): قتل خطای محض، زمانی رخ می‌دهد که فرد مرتکب قتل به دلیل اشتباه یا بی‌دقتی دست به اقداماتی می‌زند که منجر به مرگ فردی می‌شود. در این حالت، فرد هیچ قصدی برای ارتکاب قتل نداشته و رفتار او به طور کاملاً غیرعمدی و به دلیل عدم آگاهی از نتایج عمل، منجر به مرگ می‌شود. مجازات قتل خطای محض در این موارد نیز دیه است و شدت مجازات در این حالت کمتر از قتل شبه عمد است (Akbari, 2019).

بررسی خواب مصنوعی و قتل عمد

خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) حالتی از آگاهی تغییر یافته است که در آن فرد قادر است به دستورات هیپنوتیزور پاسخ دهد، ولی در عین حال سطح آگاهی و کنترل خود را نسبت به محیط اطراف کاهش می‌دهد. یکی از مهم‌ترین مباحث حقوقی در این زمینه،

فرد دیگری متهمی شود (Laminejad & Baninaimeh, 2020). در این شرایط، سؤال این است که آیا فرد باید مسئول قتل شبه عمد باشد یا خیر؟ اگر فردی در وضعیت خواب مصنوعی به دستورات هیپنوتیزور عمل کند و به دلیل عدم رعایت احتیاط در انجام دستور، منجر به قتل فرد دیگری شود، قتل ممکن است به عنوان شبه عمد ارزیابی شود (Lynn et al., 2007). در این وضعیت، چون فرد نیت قتل نداشته است، اما به دلیل بی احتیاطی و عدم کنترل کامل بر اعمال خود، اقدام به قتل کرده، مسئولیت کیفری او به قتل شبه عمد نسبت داده می شود. برای مثال، اگر فرد هیپنوتیزم شده به دستور هیپنوتیزور اقدامی انجام دهد که به طور غیرمستقیم به مرگ فردی منجر شود، این قتل تحت عنوان قتل شبه عمد طبقه بندی می شود (Gorji, 2008).

خواب مصنوعی و قتل خطای محض

قتل خطای محض زمانی رخ می دهد که فرد هیچ نیتی برای ارتکاب جرم ندارد و مرگ فردی ناشی از اشتباه یا بی دقتی او است. در این نوع قتل، فرد فاقد آگاهی از نتایج اعمال خود است و به طور غیرعمدی به قتل می رسد. اگر فردی تحت تأثیر هیپنوتیزم قرار گیرد و در این وضعیت دست به اقدامی بزند که منجر به مرگ فرد دیگری شود، این سؤال پیش می آید که آیا این قتل به عنوان خطای محض قابل ارزیابی است؟ در صورتی که فرد تحت تأثیر هیپنوتیزم دست به اقداماتی بزند که به طور غیرعمدی و بدون آگاهی از نتایج آن، مرگ فرد دیگری را رقم زند، قتل به عنوان قتل خطای محض محسوب می شود. در این وضعیت، فرد هیچ قصدی برای ارتکاب جرم نداشته و تنها به دلیل اختلال در سطح هوشیاری خود، مرتکب قتل شده است (Van der Velden et al., 2022).

بر فرض فردی در حال هیپنوتیزم دستوراتی دریافت می کند و در حین انجام آن ها، به دلیل بی دقتی یا اشتباه در اجرای دستور، منجر به مرگ فرد دیگری می شود. در این حالت، از آنجا که فرد هیچ قصد یا نیتی برای قتل نداشته و تنها تحت تأثیر شرایط

بررسی مسئولیت فرد در صورت ارتکاب قتل عمد تحت تأثیر خواب مصنوعی است.

الف - خواب مصنوعی و مسئولیت کیفری در قتل عمد: در شرایطی که فرد تحت تأثیر هیپنوتیزم یا خواب مصنوعی قرار دارد و در این حالت مرتکب قتل عمد می شود، موضوع مسئولیت کیفری پیچیده می شود. طبق قانون مجازات اسلامی، در قتل عمد، نیت قتل و قصد ارتکاب جرم باید به طور کامل وجود داشته باشد. اما در حالت هیپنوتیزم، فرد ممکن است فاقد آگاهی کامل از اقدامات خود باشد و تحت تأثیر دستور هیپنوتیزور قرار گیرد. در چنین حالتی، سؤال این است که آیا فرد می تواند همچنان مسئول قتل عمد خود باشد یا اینکه می توان او را از مسئولیت معاف کرد؟ بر اساس نظریات حقوقی، در صورتی که فرد در حالت هیپنوتیزم به دستورات غیرارادی پاسخ دهد، مسئولیت کیفری او به دلیل فقدان اراده آزاد و آگاهی کامل می تواند تحت سؤال قرار گیرد. در برخی از موارد، ممکن است قتل به عنوان شبه عمد یا حتی خطای محض ارزیابی شود، چرا که فرد به طور عمدی قصد کشتن نداشته است (Amini & Shabani, 2019). برای مثال اگر فردی تحت تأثیر هیپنوتیزم دستور قتل فردی را از هیپنوتیزور دریافت کند و اقدام به قتل نماید، ممکن است این سؤال پیش آید که آیا این قتل عمد محسوب می شود یا خیر؟ در صورتی که فرد تحت تأثیر هیپنوتیزم به طور کاملاً غیرارادی دست به چنین اقدامی بزند و قصد قبلی برای کشتن نداشته باشد، می توان گفت که قتل به دلیل فقدان قصد و آگاهی، احتمالاً به قتل شبه عمد یا خطای محض بدل خواهد شد (Laminejad & Baninaimeh, 2020).

خواب مصنوعی و قتل شبه عمد

در قتل شبه عمد، فرد مرتکب جرم نیت قتل ندارد، اما به دلیل بی احتیاطی یا عدم رعایت احتیاط های لازم، منجر به مرگ فردی می شود. در حالت خواب مصنوعی، فرد ممکن است تحت تأثیر هیپنوتیزم دست به اقدامات خطرناکی بزند که در نهایت به مرگ

هیپنوتیزم و بی‌دقتی عمل کرده است (Bloch, 1997)، قتل به عنوان قتل خطای محض ارزیابی خواهد شد. در فقه اسلامی، وضعیت فردی که تحت تأثیر خواب مصنوعی یا هیپنوتیزم مرتکب قتل می‌شود، مورد توجه قرار گرفته است. فقهاء مختلف نظرات متفاوتی درباره مسئولیت فرد در حالت خواب مصنوعی دارند. برخی از فقهاء بر این عقیده‌اند که اگر فرد در حال هیپنوتیزم فاقد آگاهی و اراده باشد، نمی‌توان او را مسئول قتل عمد دانست و قتل را به شبه عمد یا خطای محض تغییر می‌دهند. در دکتترین حقوقی، بسیاری از حقوقدانان بر این باورند که در صورت ارتکاب قتل در حالت خواب مصنوعی، مسئولیت کیفری به شدت وابسته به سطح آگاهی فرد و نوع دستور هیپنوتیزم است. اگر فرد به طور کامل فاقد آگاهی و نیت باشد، مسئولیت او ممکن است کاهش یابد یا حتی معاف شود. از سوی دیگر، اگر فرد در این حالت همچنان توانایی تصمیم‌گیری نسبی داشته باشد، قتل می‌تواند به عنوان شبه عمد یا خطای محض ارزیابی شود.

تحلیل حقوقی مواد مخدر در قتل

مصرف مواد مخدر به دلیل تأثیر مستقیم بر سیستم عصبی مرکزی و توانایی‌های شناختی انسان، آثار گسترده‌ای بر رفتار فرد دارد و یکی از مهم‌ترین عوامل بروز رفتارهای پرخطر و جنایی از جمله قتل محسوب می‌شود. از منظر حقوق کیفری ایران، بررسی رابطه میان مواد مخدر و قتل در چارچوب تقسیم‌بندی قتل عمد، شبه عمد و خطای محض و با استناد به مواد قانونی به‌ویژه ماده ۲۹۰ و ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد (Akbari, 2019).

قتل عمد ناشی از مصرف مواد مخدر

بر اساس ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) قتل عمد زمانی محقق می‌شود که مرتکب با قصد سلب حیات یا با علم به کشنده بودن فعل، موجب مرگ دیگری شود. حال اگر فردی تحت تأثیر مصرف مواد مخدر مرتکب قتل شود، بررسی قصد و اراده او در

لحظه ارتکاب جرم اهمیت پیدا می‌کند. برخی مواد محرک مانند متامفتامین یا کوکائین می‌توانند فرد را در وضعیت تحریک شدید روانی قرار دهند و رفتارهای پرخطرانه و خشونت‌آمیز او را تشدید کنند (Karkheiran, 2013). در این وضعیت، اگر فردی آگاهانه و با قصد قبلی اقدام به قتل نماید، قتل همچنان عمدی محسوب می‌شود؛ زیرا به رغم تأثیر مواد مخدر، قصد ارتکاب جرم در او وجود داشته است. در حقوق ایران، برخلاف برخی نظام‌های حقوقی غربی، استناد به مصرف مواد مخدر معمولاً نمی‌تواند به طور کامل مسئولیت کیفری را رفع کند. استدلال این است که فرد با اختیار خود اقدام به مصرف ماده کرده و باید تبعات ناشی از آن را بپذیرد. بنابراین، اگر قتل در حالت مستی یا تحت تأثیر مواد مخدر واقع شود ولی قصد ارتکاب فعل کشنده اثبات گردد، قتل عمد خواهد بود (Akbari, 2019).

قتل شبه عمد ناشی از مواد مخدر

طبق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی، اگر فردی قصد کشتن نداشته باشد اما به دلیل بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی موجب مرگ دیگری شود، قتل شبه عمد محسوب می‌شود. مواد مخدر در این زمینه نقش برجسته‌ای دارند، زیرا موجب کاهش کنترل فرد بر رفتارهای خود می‌شوند. یکی از نمونه‌های بارز قتل شبه عمد، زمانی است که فردی در حالت مستی یا تحت تأثیر مواد مخدر اقدام به رانندگی کند و در نتیجه تصادف منجر به مرگ دیگری شود. در این وضعیت، هرچند مرتکب نیت قتل ندارد، اما به دلیل بی‌احتیاطی ناشی از مصرف مواد مسئول شناخته می‌شود و قتل او شبه عمد تلقی می‌گردد. اگر فرد تحت تأثیر مواد مخدر رفتاری انجام دهد که نتایج کشنده آن برای افراد متعارف قابل پیش‌بینی است (مثل استفاده خطرناک از سلاح یا درگیری فیزیکی)، اما خودش به دلیل حالت روانی ناشی از مصرف، به نتایج توجه نکند، باز هم قتل شبه عمد محسوب می‌شود. چرا که معیار پیش‌بینی‌پذیری در حقوق کیفری بر اساس فرد متعارف سنجیده

ماده بدون آگاهی یا اختیار صورت گرفته است (Goldouzian, 2013).

ب - ماده ۲۹۰ و عنصر قصد: در قتل عمد، طبق ماده ۲۹۰، قصد فعل کشنده یا علم به کشنده بودن آن شرط اساسی است. اگر فردی تحت تأثیر مواد مخدر دست به رفتاری بزند که عرفاً کشنده محسوب می‌شود، حتی اگر مدعی فقدان قصد باشد، باز هم قتل می‌تواند عمدی تلقی گردد؛ زیرا معیار "علم به نتیجه" بر اساس رفتار عرفی و عینی است، نه صرف حالت ذهنی مجرم. تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که تأثیر مواد مخدر بر قتل در حقوق کیفری ایران وابسته به میزان اختلال در آگاهی و اراده فرد و نوع قتل است (Karkheiran, 2013; Laminejad & Baninaimeh, 2020). در قتل عمد، حتی اگر فرد تحت تأثیر مواد مخدر باشد، مسئولیت او معمولاً ساقط نمی‌شود زیرا مصرف ماده به اختیار بوده و قصد قتل یا علم به کشنده بودن فعل وجود دارد. در قتل شبه عمد، مصرف مواد غالباً زمینه‌ساز بی‌احتیاطی و خطای پیش‌بینی‌پذیر است، مانند رانندگی در حالت مستی (Toghrangar, 2013). در قتل خطای محض، توهّم و اشتباه هویتی ناشی از مواد می‌تواند موجب رفع قصد و طبقه‌بندی قتل در این دسته گردد. مواد ۱۵۳ و ۲۹۰ ق. م. ا نشان می‌دهند که حقوق ایران مسئولیت کیفری ناشی از مصرف اختیاری مواد را نمی‌پذیرد، مگر در شرایطی که اثبات شود فرد فاقد اراده یا آگاهی کامل بوده است.

مقایسه تطبیقی خواب مصنوعی و مواد مخدر

مطالعه تطبیقی دو پدیده‌ی خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) و مواد مخدر از منظر حقوق کیفری، به‌ویژه در حوزه‌ی قتل، نشان می‌دهد که این دو وضعیت با وجود تفاوت‌های بنیادین، دارای شباهت‌هایی نیز هستند که بر تحلیل مسئولیت کیفری مرتکب اثرگذار است. در این بخش به شباهت‌های اصلی میان آن‌ها پرداخته می‌شود. هر دو موجب کاهش سطح آگاهی و اراده

می‌شود، نه بر اساس وضعیت روانی مختل‌شده مجرم (Goldouzian, 2013).

قتل خطای محض ناشی از مواد مخدر

قتل خطای محض در ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی تعریف شده است و زمانی رخ می‌دهد که مرتکب هیچ قصد و نیتی برای کشتن نداشته باشد و مرگ دیگری به صورت کاملاً غیرعمدی رخ دهد. در زمینه مصرف مواد مخدر، این نوع قتل معمولاً در اثر توهّم یا اشتباه هویتی رخ می‌دهد. برخی مواد توهّم‌زا مانند LSD یا حشیش در دوزهای بالا می‌توانند باعث شوند فرد اشخاص یا اشیاء را به گونه‌ای غیرواقعی درک کند (Goldouzian, 2013; Karkheiran, 2013). در چنین حالتی، فرد ممکن است به دلیل توهّم خطر یا تهدید خیالی به شخص دیگری حمله کند و موجب مرگ او شود. از آنجا که هیچ نیتی برای قتل وجود نداشته و رفتار ناشی از خطای ادراکی محض بوده است، قتل می‌تواند خطای محض تلقی گردد مصرف مواد مخدر در برخی موارد باعث بروز سردرگمی و کاهش سطح شناخت فرد می‌شود. اگر فرد در چنین شرایطی به اشتباه تصور کند که فرد دیگری دشمن یا مهاجم است و او را بکشد، عمل وی خطای محض تلقی خواهد شد (Sarami, 2014).

جایگاه ماده ۱۵۳ و ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی

الف - ماده ۱۵۳ ق. م. ا و فقدان اراده: ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که هرگاه فردی به علت اجبار یا اکراه و یا زوال اراده ناشی از عوامل بیرونی (مانند بیهوشی یا خواب طبیعی) دست به ارتکاب جرم بزند، مسئولیت کیفری از او رفع می‌شود. اما در خصوص مواد مخدر، قانون‌گذار به دلیل اختیاری بودن مصرف، این معافیت را به طور کلی نمی‌پذیرد (Zabihi, 2014). بنابراین، اگر فردی با اختیار خود مواد مخدر مصرف کند و سپس مرتکب قتل شود، نمی‌تواند به ماده ۱۵۳ استناد کند؛ مگر در شرایط خاصی که ثابت شود اراده او به طور کامل سلب شده و مصرف

می‌شوند. یکی از مهم‌ترین شباهت‌های خواب مصنوعی و مواد مخدر، تأثیر مستقیم آن‌ها بر کاهش سطح آگاهی و اراده فرد است. در خواب مصنوعی، فرد به دلیل القای هیپنوتیزم، تمرکز ذهنی او محدود به موضوعات یا دستورات خاصی می‌شود. این وضعیت با کاهش فعالیت انتقادی ذهن و افزایش تلقین‌پذیری همراه است (Oakley & Halligan, 2013). در نتیجه، فرد ممکن است بدون داشتن اراده مستقل، اعمالی را انجام دهد که در حالت عادی از آن پرهیز می‌کرد. در مواد مخدر، مصرف‌کننده بسته به نوع ماده (محرک، توهم‌زا یا تضعیف‌کننده) دچار تغییرات در سیستم عصبی مرکزی می‌شود. این تغییرات می‌تواند موجب کاهش کنترل شناختی، از دست رفتن مهارت قضاوت، و حتی توهّمات شدید گردد (Volkow et al., 2011). در هر دو حالت، فرد با نوعی زوال اراده یا اختلال در تصمیم‌گیری مواجه می‌شود که می‌تواند به ارتکاب رفتارهای خطرناک از جمله قتل منجر شود. از منظر حقوق کیفری، کاهش آگاهی و اراده از عوامل مؤثر بر تعیین میزان مسئولیت کیفری است.

امکان تغییر نوع قتل از عمد به شبه عمد یا خطای محض

شباهت مهم دیگر این است که هم در خواب مصنوعی و هم در مصرف مواد مخدر، امکان تغییر نوع قتل از عمد به شبه عمد یا خطای محض وجود دارد. در قتل تحت خواب مصنوعی، اگر فرد تحت هیپنوتیزم دستوری مبنی بر کشتن دیگری دریافت کند و عمل را انجام دهد، بحث این است که آیا او قصد قتل داشته یا خیر. اگر دادگاه فقدان قصد و آگاهی را احراز کند، ممکن است قتل به شبه عمد یا حتی خطای محض تغییر یابد (Scott & Howell, 2021). در قتل ناشی از مصرف مواد مخدر نیز، اگر فرد تحت تأثیر مواد، مثلاً در اثر رانندگی در حالت مستی یا اشتباه ناشی از توهم، موجب مرگ دیگری شود، قتل به دلیل فقدان قصد قبلی و ناشی از بی‌احتیاطی یا خطا، از عمد به شبه عمد یا خطای محض تبدیل می‌شود. از نظر قانون مجازات اسلامی، عنصر قصد

و علم در تحقق قتل عمد بسیار حیاتی است (مواد ۲۹۰ و ۲۹۵). در صورتی که این عنصر به دلیل تأثیر خواب مصنوعی یا مواد مخدر مخدوش شود، امکان تغییر نوع قتل و تخفیف مسئولیت کیفری فراهم می‌گردد. هر دو در حقوق کیفری ایران مورد توجه برای معافیت یا کاهش مسئولیت هستند نکته سوم در شباهت میان خواب مصنوعی و مواد مخدر، جایگاه آن‌ها در حقوق کیفری ایران است. قانونگذار و دکتین حقوقی در ایران هر دو پدیده را از منظر کاهش یا رفع مسئولیت کیفری بررسی کرده‌اند. در خصوص خواب مصنوعی، چون فرد ممکن است در حالت فقدان کامل اراده یا آگاهی باشد، برخی حقوق‌دانان ارتکاب جرم در این وضعیت را مشمول موارد زوال اراده دانسته و به ماده ۱۵۳ ق. م. ا استناد می‌کنند. این ماده بیان می‌کند اگر فرد به دلیل بی‌هوشی یا خواب فاقد اراده باشد، مسئولیت کیفری از او سلب می‌شود. بنابراین، اگر هیپنوتیزم به گونه‌ای باشد که فرد اختیار خود را از دست بدهد، امکان معافیت از مسئولیت کیفری وجود دارد (Akbari, 2014). در مورد مواد مخدر، قانونگذار نگاه سخت‌گیرانه‌تری دارد؛ زیرا مصرف مواد غالباً اختیاری است. با این حال، در برخی موارد (مثلاً در قتل خطای محض ناشی از توهم شدید یا حالت مسمومیت کامل)، می‌توان مسئولیت فرد را تخفیف داد. ماده ۲۹۰ ق. م. ا همچنان تأکید دارد که اگر قصد و علم منتفی باشد، قتل نمی‌تواند عمدی محسوب شود. بنابراین، حتی در حالت ناشی از مواد مخدر نیز امکان تغییر نوع قتل و تخفیف مجازات وجود دارد (Sadeghi, 2017). در مجموع، هر دو پدیده (خواب مصنوعی و مواد مخدر) از نظر حقوق کیفری ایران در زمره عوامل قرار می‌گیرند که می‌توانند موجب معافیت کامل (در حالت زوال اراده مطلق) یا کاهش مسئولیت کیفری (در حالت کاهش آگاهی و قصد) شوند.

شباهت‌ها میان خواب مصنوعی و مواد مخدر در تغییر نوع قتل

یکی از اصلی‌ترین شباهت‌های خواب مصنوعی و مواد مخدر، تأثیر آن‌ها بر کاهش سطح آگاهی و اراده فرد است. این دو پدیده به‌ویژه در زمینه‌هایی که فرد مرتکب جرم می‌شود، نقش حیاتی دارند، زیرا تعیین مسئولیت کیفری بر اساس آگاهی و اراده فرد در لحظه ارتکاب جرم است. خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) باعث تغییر در سطح آگاهی فرد می‌شود. در این وضعیت، فرد به شدت متمرکز بر دستورات هیپنوتیزور است و از محیط پیرامون خود به اندازه‌ای که تحت تأثیر تلقین قرار دارد، آگاه نیست. به عبارت دیگر، فرد در حالت خواب مصنوعی دارای آگاهی نسبت به محیط اطراف خود نیست و ممکن است دست به اقداماتی بزند که در حالت طبیعی از آن پرهیز می‌کند. **مواد مخدر** نیز تأثیرات مشابهی بر رفتار فرد دارند. مواد محرک و توهم‌زا می‌توانند باعث اختلال در قضاوت و کاهش توانایی فرد در درک واقعیت شوند. این مواد همچنین ممکن است موجب تحریک شدید سیستم عصبی شده و فرد را از کنترل رفتاری خود باز دارند، به گونه‌ای که دست به اقداماتی بزند که در شرایط عادی قادر به انجام آن‌ها نبوده یا از آن‌ها پرهیز می‌کرده است (Sadeghi, 2017; Toghrangar, 2013). در هر دو حالت، فرد ممکن است در معرض رفتارهای غیرارادی و غیرعمدی قرار گیرد که در نهایت می‌تواند به ارتکاب قتل منتهی شود. دومین شباهت مهم میان خواب مصنوعی و مواد مخدر این است که در هر دو وضعیت، امکان تغییر نوع قتل از عمد به شبه عمد یا خطای محض وجود دارد. این تغییر بستگی به سطح آگاهی و نیت فرد در هنگام ارتکاب جرم دارد. در خواب مصنوعی، اگر فرد تحت تأثیر هیپنوتیزم دست به قتل بزند و مشخص شود که او فاقد نیت و قصد قتل بوده، این قتل می‌تواند از قتل عمد به شبه عمد یا خطای محض تغییر یابد. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که فرد تحت تأثیر دستورات هیپنوتیزور قرار دارد و نیت قتل نداشته است، بلکه به طور غیرارادی و به دلیل تلقینات اعمال شده دست به قتل زده است (Scott & Howell,

2021). در مواد مخدر، مانند رانندگی در حالت مستی یا توهم ناشی از مصرف مواد توهم‌زا، فرد ممکن است دست به اعمالی بزند که به مرگ فردی منتهی شود. در این موارد، اگر فرد قصد قتل نداشته باشد، قتل می‌تواند به شبه عمد یا خطای محض تغییر یابد. برای مثال، اگر فرد در حالت مستی تصادف کند یا به دلیل مصرف مواد مخدر نتواند واکنش صحیحی نشان دهد، قتل شبه عمد محسوب می‌شود. در صورتی که فرد دچار توهم باشد و تصور کند که تحت تهدید است، ممکن است اشتباهاً فردی را کشته و قتل به عنوان خطای محض ارزیابی شود. این شباهت‌ها نشان می‌دهند که در هر دو حالت (خواب مصنوعی و مصرف مواد مخدر)، عدم نیت قتل و اختلال در آگاهی می‌تواند سبب تغییر نوع قتل و کاهش مسئولیت کیفری شود. یکی دیگر از شباهت‌های مهم بین خواب مصنوعی و مواد مخدر در حقوق کیفری ایران، توجه به این دو پدیده برای معافیت یا کاهش مسئولیت کیفری است. در قوانین ایران، زوال اراده یا اختلال در آگاهی فرد می‌تواند منجر به کاهش مسئولیت کیفری یا حتی معافیت از مسئولیت شود.

- خواب مصنوعی: در ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی آمده است که فردی که در حالت زوال اراده یا بی‌هوشی مرتکب جرم شود، از مسئولیت کیفری معاف است. در صورت اثبات اینکه فرد تحت هیپنوتیزم به صورت غیرارادی و بدون آگاهی از نتایج اعمال خود دست به قتل زده است، امکان معافیت از مسئولیت کیفری وجود دارد (Goldouzian, 2013).
- مواد مخدر: بر اساس ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، در صورتی که فرد به دلیل مصرف مواد مخدر دست به قتل بزند، چنانچه علم به کشنده بودن فعل نداشته باشد یا در اثر بی‌احتیاطی مرتکب قتل شود، ممکن است قتل به شبه عمد یا خطای محض تغییر یابد. در این شرایط،

مسئولیت کیفری فرد کاهش یافته و در برخی موارد، به دیه بدل می‌شود (Sadeghi, 2017).

۱ به طور کلی، قانون‌گذار ایران در هر دو وضعیت خواب مصنوعی و مواد مخدر به نوعی کاهش مسئولیت کیفری و معافیت از مسئولیت را در نظر گرفته است. این معافیت‌ها و کاهش مسئولیت به دلیل تأثیرات روانی و فیزیولوژیک این پدیده‌ها بر آگاهی و اراده فرد است که در نهایت منجر به ارتکاب جرم می‌شود. شباهت‌ها میان خواب مصنوعی و مواد مخدر در زمینه تغییر نوع قتل، نشان‌دهنده تأثیرات مشترک این دو پدیده بر آگاهی و اراده فرد است. در هر دو حالت، فرد ممکن است به دلیل زوال آگاهی یا کاهش اراده مرتکب قتل شود، و در نتیجه، نوع قتل از عمد به شبه عمد یا خطای محض تغییر یابد. علاوه بر این، حقوق کیفری ایران به این دو پدیده توجه ویژه‌ای دارد و برای کاهش یا معافیت مسئولیت کیفری فرد، شرایط خاصی را در نظر می‌گیرد. در نهایت، این شباهت‌ها نشان می‌دهند که چگونه آگاهی و قصد در ارتکاب جرم می‌تواند تحت تأثیر وضعیت روانی فرد، نظیر خواب مصنوعی یا مواد مخدر، قرار گیرد و مسئولیت کیفری تغییر یابد.

تفاوت‌های خواب مصنوعی و مواد مخدر در تحلیل حقوقی قتل

با وجود شباهت‌هایی که خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) و مواد مخدر در زمینه تأثیر بر آگاهی و اراده دارند، بررسی حقوق کیفری نشان می‌دهد که این دو پدیده از جنبه‌های بنیادین دارای تفاوت‌های اساسی هستند. این تفاوت‌ها به‌ویژه در منشأ وقوع، پیامدهای اجتماعی، و آثار حقوقی در مسئولیت کیفری اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. خواب مصنوعی معمولاً با رضایت و شرایط آزمایشگاهی/درمانی رخ می‌دهد، اما مواد مخدر اغلب ناشی از انتخاب شخص است خواب مصنوعی عموماً در شرایطی اتفاق

می‌افتد که فرد به صورت آگاهانه و با رضایت قبلی در محیط‌های درمانی، آزمایشگاهی یا پژوهشی تحت هیپنوتیزم قرار گیرد. در این حالت، فرد هدف درمانی یا تحقیقاتی دارد و هیپنوتیزم به‌طور غیرقانونی یا خودسرانه کمتر رخ می‌دهد. بنابراین، منشأ ورود فرد به حالت خواب مصنوعی، غالباً غیرمجرمانه و غیرانتخابی است. مواد مخدر برعکس، در اغلب موارد ناشی از انتخاب و اراده شخصی مصرف‌کننده است. فرد آگاهانه تصمیم به مصرف ماده می‌گیرد و بنابراین ورود او به حالت تغییر یافته آگاهی، برخاسته از یک تصمیم اختیاری است. همین نکته سبب می‌شود که مسئولیت کیفری ناشی از رفتار تحت تأثیر مواد مخدر معمولاً به قوت خود باقی بماند و قانون‌گذار سخت‌گیرانه‌تر با آن برخورد کند. خواب مصنوعی پدیده‌ای موقتی است که در اغلب موارد پس از پایان جلسه هیپنوتیزم، اثرات آن به سرعت از بین می‌رود. هیپنوتیزم نه به‌طور مستقیم موجب اعتیاد می‌شود و نه به‌طور گسترده با پدیده‌های اجتماعی مانند جرم و بزهکاری ارتباط دارد. در واقع، خواب مصنوعی بیشتر در حوزه‌های پزشکی، روان‌درمانی یا پژوهش‌های علمی مورد استفاده است و ارتباط مستقیمی با انحرافات اجتماعی ندارد. مواد مخدر بر خلاف هیپنوتیزم، معمولاً با اعتیاد و مشکلات گسترده اجتماعی - اقتصادی همراه است. اعتیاد به مواد مخدر از عوامل مهم در افزایش آمار بزهکاری، خشونت، سرقت، قاچاق و جرایم سازمان‌یافته محسوب می‌شود؛ بنابراین، آثار حقوقی قتل ناشی از مواد مخدر تنها به بعد روان‌شناختی فرد محدود نمی‌شود بلکه در چارچوب سیاست جنایی کلان کشورها، به عنوان یک معضل اجتماعی نیز در نظر گرفته می‌شود.

در حقوق ایران، آثار مواد مخدر به دلیل "اختیاری بودن" مصرف، معمولاً منجر به رفع مسئولیت کامل نمی‌شود، ولی خواب مصنوعی ممکن است موجب معافیت کامل گردد. مطابق ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی، اگر فرد در حالت زوال اراده یا بی‌هوشی ناشی

می‌شوند و آثار اجتماعی گسترده‌ای مانند اعتیاد، بزهکاری، و جرایم سازمان‌یافته دارند. به همین دلیل، حقوق ایران در چارچوب سیاست جنایی سخت‌گیرانه، مسئولیت ناشی از جرایم در حالت مصرف مواد را غالباً به قوت خود باقی می‌داند و تنها در مواردی خاص (مانند قتل ناشی از توهّم شدید یا اشتباه محض) امکان تغییر نوع قتل به شبه عمد یا خطای محض را می‌پذیرد. از دیدگاه فقهی و دگرترین حقوقی نیز، معیار اصلی در تعیین مسئولیت کیفری وجود یا فقدان قصد و اراده است. در هر دو حالت، اگر اراده فرد به‌طور کامل زایل گردد، می‌توان مسئولیت او را کاهش داد یا رفع کرد. اما در خصوص مواد مخدر، به دلیل اختیاری بودن مصرف، معافیت کامل معمولاً پذیرفته نمی‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در قتل ناشی از خواب مصنوعی، محور تحلیل حقوقی بر فقدان اراده و امکان رفع کامل مسئولیت است. در قتل ناشی از مواد مخدر، محور تحلیل بر بی‌احتیاطی، پیش‌بینی‌پذیری و مسئولیت ناشی از انتخاب فردی متمرکز است. سیاست کیفری ایران در برابر مواد مخدر سخت‌گیرانه‌تر است، در حالی که در مورد خواب مصنوعی نگاه انعطاف‌پذیرتری وجود دارد. در واقع پژوهش حاضر نشان می‌دهد که حقوق کیفری ایران تلاش کرده است میان حمایت از نظم عمومی و رعایت عدالت در قبال زوال اراده فردی تعادل برقرار کند. این تعادل از یک‌سو مانع سوءاستفاده از دفاعیات مبتنی بر مواد مخدر می‌شود و از سوی دیگر، امکان توجه به شرایط خاص مانند خواب مصنوعی یا فقدان کامل قصد و اراده را فراهم می‌آورد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The legal and psychological complexity of determining criminal responsibility under

از عوامل بیرونی مرتکب جرم شود، مسئولیت کیفری از او رفع می‌شود. در مورد خواب مصنوعی، چون فرد ممکن است فاقد آگاهی و قصد واقعی باشد، برخی حقوق‌دانان ارتکاب جرم در این وضعیت را مشمول این ماده دانسته و امکان معافیت کامل از مسئولیت کیفری را پذیرفته‌اند. اما در خصوص مواد مخدر، قانون‌گذار ایران به دلیل اختیاری بودن مصرف، چنین امکانی را محدود کرده است. بر اساس رویه حقوقی، مصرف‌کننده با اراده خود اقدام به استفاده از ماده کرده و در نتیجه، مسئول عواقب بعدی آن است. حتی اگر قتل در اثر توهّم یا اختلال روانی ناشی از مصرف رخ دهد، معمولاً تنها نوع قتل از عمد به شبه عمد یا خطای محض تغییر می‌کند، اما رفع مسئولیت کامل به ندرت پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی خواب مصنوعی (هیپنوتیزم) و مواد مخدر در حقوق کیفری ایران نشان داد که هر دو پدیده با وجود تفاوت‌های اساسی در ماهیت و زمینه‌های اجتماعی، شباهت‌هایی در آثار حقوقی دارند. عنصر مشترک در هر دو، کاهش سطح آگاهی و اختلال در اراده فرد است که می‌تواند به ارتکاب رفتارهای غیرارادی یا نیمه‌آگاهانه منجر شود. از این منظر، هر دو حالت می‌توانند در فرآیند رسیدگی قضایی موجب تغییر نوع قتل از عمد به شبه عمد یا خطای محض گردند. با این حال، تفاوت‌های مهمی میان این دو وجود دارد. خواب مصنوعی عموماً در محیط‌های کنترل‌شده و با رضایت فرد رخ می‌دهد و بیشتر جنبه علمی یا درمانی دارد. در نتیجه، اگر در این حالت جرمی رخ دهد و فقدان قصد و اراده اثبات شود، امکان استناد به ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی و معافیت کامل از مسئولیت کیفری وجود دارد. در مقابل، مواد مخدر عمدتاً به واسطه انتخاب فردی و آگاهانه مصرف

altered states of consciousness has long attracted scholarly debate across jurisprudence, neuroscience, and psychology.

The present study engages in a comparative legal and analytical investigation of the effect of artificial sleep (hypnosis) and narcotic drugs on the classification of homicide within the framework of Iranian criminal law. Both phenomena share the potential to impair individual volition and consciousness, yet their legal treatment differs fundamentally due to their divergent origins and social implications. Hypnosis, as a state of induced suggestibility, alters the boundaries between voluntary and involuntary behavior, raising profound questions about the validity of intent in homicide cases. In contrast, narcotic substances act biochemically on the nervous system and are generally consumed voluntarily, a factor that heavily influences the persistence of criminal liability. Within Iranian criminal law, the degree of intent and awareness at the time of the act serves as the determinant of classification among intentional, semi-intentional, and pure error homicide. The research, therefore, aims to determine whether a hypnotized individual or one under the influence of drugs can retain sufficient mens rea to justify intentional homicide or whether their actions must be legally downgraded. To answer this, the study integrates comparative jurisprudential sources, criminal codes (notably Articles 153 and 290 of the Islamic Penal Code), and insights from neuropsychological evidence and moral philosophy (Topp et al., 2002; Van der Velden et al., 2022).

Artificial sleep, or hypnosis, is defined as a psychologically induced state characterized by narrowed attention, enhanced suggestibility, and diminished critical reasoning (Oakley & Halligan, 2013). Neuroscientific studies demonstrate that hypnosis involves altered cortical activation, particularly in the prefrontal and cingulate regions, producing measurable changes in volition and decision-making (Bloch, 1997). EEG and fMRI analyses confirm reduced beta activity and increased

theta waves, paralleling deep relaxation and selective focus (Copelan, 2015). These neurological markers indicate that hypnotized subjects may act under externally induced commands without full volitional control, introducing the concept of “automatism,” whereby actions occur absent conscious intention (Lynn et al., 2007; McGeown et al., 2009). Historically, hypnosis evolved from Mesmer’s eighteenth-century theories of animal magnetism to modern clinical applications supported by the American Psychological Association (Scott & Howell, 2021). Yet despite its medical legitimacy, legal systems remain uncertain about whether acts committed under hypnosis stem from an independent will. Iranian law, through Article 153, provides exemption when a crime is committed in a state of unconsciousness or loss of will. Accordingly, if hypnosis effectively nullifies volition, the hypnotized offender may be acquitted on grounds of complete lack of intent (Laminejad & Baninaimeh, 2020). Nevertheless, determining the threshold of volitional loss remains contentious because suggestibility varies between individuals (Hashemi, 2016). Hence, while hypnosis may mitigate or remove culpability, its evidentiary assessment requires multidisciplinary corroboration between legal reasoning and neuroscientific proof.

By contrast, narcotic drugs represent biochemical agents that influence the central nervous system and are classified as stimulants, hallucinogens, or depressants (Chavez, 2020). Stimulants such as cocaine and methamphetamine heighten dopamine and norepinephrine activity, elevating energy and aggression (Miller et al., 2009; Volkow et al., 2011). Hallucinogens, including LSD and DMT, distort sensory perception and can provoke violent or erratic reactions (Müller et al., 2018). Depressants, like alcohol and benzodiazepines, suppress cognitive control and judgment (Karkheiran, 2013). Each class of

substance modulates consciousness differently, but all can impair the capacity for rational decision-making, particularly under intoxication or addiction (Rahmdel, 2018). Addiction further erodes self-control by reconfiguring the brain's reward circuitry, compelling repetitive behavior and, in extreme cases, facilitating criminal acts to sustain substance use. Empirical studies have associated chronic intoxication with impulsivity, reduced foresight, and violent tendencies (Akbari, 2019; Amini & Shabani, 2019). Nonetheless, Iranian criminal doctrine distinguishes voluntary intoxication from states of involuntary impairment: since the choice to consume drugs is deliberate, criminal liability is ordinarily preserved. Only in instances of profound intoxication producing hallucination or delusional confusion may the classification of homicide shift to semi-intentional or pure error (Sarami, 2014).

The jurisprudential structure governing homicide in Iranian law, delineated across Articles 290–303, categorizes killing into intentional, semi-intentional, and pure error. Intentional homicide requires a deliberate will and conscious awareness of the lethal consequence (Karkheiran, 2013). Semi-intentional homicide occurs when the actor lacks homicidal intent but acts negligently or imprudently (Zaraat, 2010). Pure error, meanwhile, arises from unintentional conduct devoid of both intent and foreseeability (Akbari, 2019). Within this framework, hypnosis introduces an evidentiary challenge: if a hypnotized individual performs a lethal act under suggestion, the question becomes whether criminal intention genuinely existed (Laminejad & Baninaimeh, 2020). If the act stems from externally induced automatism, it may fall within Article 153, eliminating responsibility entirely; if partial volition remains, the act might be reclassified as semi-intentional or pure error (Gorji, 2008; Lynn et

al., 2007). Conversely, in drug-related killings, intentional classification persists unless the offender demonstrates total cognitive incapacity. Courts generally reject the intoxication defense because voluntary consumption implies foreseeability of consequences (Goldouzian, 2013; Zabihi, 2014). Yet jurisprudence allows mitigation where consciousness was fully obliterated, equating extreme intoxication with temporary insanity. The doctrinal consistency between these provisions demonstrates that Iranian criminal law links culpability to degrees of awareness rather than the external cause of impairment. The comparative analysis underscores key similarities between hypnosis and narcotic intoxication in altering awareness and decision-making. Both diminish critical reasoning and can precipitate involuntary or quasi-voluntary actions. Accordingly, in both circumstances the classification of homicide may shift from intentional to semi-intentional or pure error, contingent upon the demonstrable level of awareness (Scott & Howell, 2021). Article 153 accommodates hypnosis-induced automatism as a complete defense, whereas Article 290 applies a stricter interpretation for drug-induced states. Nonetheless, both legal contexts acknowledge that absence of intent or knowledge mitigates liability (Sadeghi, 2017). From a doctrinal perspective, the principle of “no crime without intention” is preserved while permitting judicial flexibility when volition is demonstrably impaired. In practice, courts must evaluate neuropsychological evidence, expert testimony, and behavioral indicators to determine whether the defendant's cognitive control was sufficiently diminished. The comparative dimension also reveals that Iranian jurisprudence parallels international criminal law doctrines, which differentiate between voluntary and involuntary intoxication, though it retains stronger emphasis on moral culpability tied to personal

choice (Toghrangar, 2013). Thus, hypnosis aligns with involuntary impairment, while drug use typically falls under voluntary self-induced conditions, sustaining the broader principle of accountability.

Yet the two phenomena diverge sharply in their legal and social consequences. Artificial sleep generally arises within controlled scientific or therapeutic contexts and is temporary, leaving minimal social externalities. Its primary implication concerns the individual's capacity for consent and awareness during the hypnotic episode. Consequently, Iranian courts and scholars treat hypnosis with greater leniency, recognizing the possibility of full exemption under Article 153. In contrast, narcotic drugs carry extensive criminogenic and social repercussions, including addiction, trafficking, and organized crime. Because their consumption is elective, the legal system enforces a deterrent approach to uphold public order (Akbari, 2014). Therefore, while both hypnosis and drug intoxication distort consciousness, the law attributes moral blame differently: hypnosis is seen as externally induced and potentially exculpatory; narcotics use as self-induced and presumptively culpable. These distinctions illustrate how Iranian criminal policy balances individual justice against collective security. The jurisprudential foundation of this duality aligns with the ethical principle that culpability requires both awareness and freedom of choice. Where either is compromised involuntarily, mitigation or exemption may apply; where impairment is self-chosen, punishment remains essential to deterrence and social protection.

In conclusion, this comparative study demonstrates that both artificial sleep and narcotic intoxication can distort awareness and will, yet Iranian criminal law distinguishes their legal outcomes based on voluntariness, social harm, and evidentiary standards.

Hypnosis, characterized by external induction and lack of volition, may warrant full exemption under Article 153, while drug-related impairment typically preserves liability except in cases of total cognitive collapse. This legal dichotomy reflects a broader commitment within Iranian jurisprudence to reconcile principles of moral responsibility with neuroscientific understandings of human behavior. The study highlights the necessity for courts to integrate interdisciplinary expertise in assessing intent and consciousness, ensuring that justice is rendered not merely according to formal culpability but in light of the genuine capacity for volitional control. Ultimately, by juxtaposing these two states of diminished awareness, the research contributes to a more nuanced understanding of culpability, strengthens the interpretative coherence of Articles 153 and 290, and provides theoretical guidance for harmonizing criminal justice with evolving insights from psychology and neuroscience.

References

- Akbari, A. (2014). *Review and Critique of the Criminal Policy Governing Narcotic Drugs in Iran*.
- Akbari, B. (2019). *General Criminal Law of Narcotic Drugs*.
- Amini, H., & Shabani, M. (2019). Involuntary Manslaughter and its Legal Consequences in Iranian Criminal Law.
- Barnier, A. J., Dienes, Z., & Mitchell, C. J. (2008). Hypnosis and cognitive neuroscience: Bridging the gap. *Consciousness and Cognition*, 17(4), 1163-1171.
- Bloch, E. (1997). *Hypnotism and the Discovery of Crime*.
- Chavez, M. (2020). *Drugs, Sleep, and Crime: A Psychological Analysis*.
- Copelan, R. (2015). *Advanced Hypnosis*.
- Gouldouzian, I. (2013). *Commentary on the Islamic Penal Code Based on the Law Approved on 2013/04/21, Including New Concepts and Previous Criminal Laws*.
- Gorji, A. (2008). *Legal Thoughts (Fundamental Concepts of Civil and Criminal Law)*.
- Hashemi, J. (2016). *Applied Hypnosis*.

- Hilgard, E. R. (1992). *Divided consciousness: Multiple controls in human thought and action*. Wiley.
- Karkheiran, M. H. (2013). *The Most Complete Collection of Commentary on the Islamic Penal Code Approved 2013/04/21 (Volume I) (Comparison with the Previous Islamic Penal Code)*.
- Laminejad, A., & Baninaimeh, I. (2020). Commission of Crime and Felony While Sleeping from the Perspective of Criminology and Iranian Criminal Law.
- Lynn, S. J., Kirsch, A., & Hallquist, E. N. (2007). Social Cognitive Theories of Hypnosis. In. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780198570097.013.0005>
- McGeown, W. J., Mazzoni, G., Venneri, A., & Kirsch, I. (2009). Hypnotic induction decreases anterior default mode activity. *Consciousness and Cognition*, 18(4), 848-855. <https://doi.org/10.1016/j.concog.2009.09.001>
- Miller, M., Hill, M., & Frank, J. (2009). The neurological impact of stimulant use and its relation to aggressive behavior. *Journal of Neuroscience*, 14(3), 501-510.
- Müller, F., Geyer, M., & Sauer, H. (2018). The role of hallucinogenic substances in aggression and social behavior. *Current Drug Abuse Reviews*, 11(2), 85-92. <https://doi.org/10.2174/2589977511666190620141824>
- Oakley, D. A., & Halligan, P. W. (2013). Hypnotic suggestion and cognitive neuroscience. *Trends in Cognitive Sciences*, 17(10), 511-517. <https://doi.org/10.1016/j.tins.2013.07.001>
- Rahmdel, M. (2018). *Iran's Criminal Policy Regarding Drug Crimes*.
- Sadeghi, A. (2017). *An Experience-Based Approach to Criminal Interventions in Narcotic Drug Crimes in Iran*.
- Sarami, H. (2014). *Investigating the Causes of Death and Homicide Resulting from Addiction, Drug and Psychotropic Trafficking*.
- Scott, A., & Howell, S. (2021). Legal Consequences of Artificial Sleep in Criminal Law: An Analysis of Jurisprudence and Theory.
- Toghrangar, H. (2013). *Fragile Boundaries of Criminal Policy on Narcotic Drugs Encyclopedia of Criminal Sciences* (Vol. I).
- Topp, L., Mattick, R. P., & Longo, M. (2002). The link between substance abuse and criminal behavior: A review of the literature. *Drug and Alcohol Dependence*, 66(1), 1-8.
- Van der Velden, E., Horowitz, S., & Dwyer, S. (2022). Sleep and Crime: A Review of the Relationship Between Sleep Disorders and Criminal Behavior.
- Volkow, N. D., Baler, R. D., & Compton, W. M. (2011). The effects of stimulant drugs on the brain and behavior. *Biological Psychiatry*, 69(2), 154-162.
- Zabihi, H. (2014). *Explanation and Review of the Anti-Narcotics Law*.
- Zaraat, A. (2010). *The Islamic Penal Code in the Current Legal Order (with a Detailed List of Criminal Titles)*.